



۲۰۱۲/۰۷/۱۳



داکتر عبدالرحمن زمانی

توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی:

تقاضای دستگیری غازی امان الله خان از دولت ایتالیا

(قسمت ۲۳)

مصاحبه که غازی امان الله خان یک روز بعد از کشته شدن محمدنادرشاه با رویتر انجام داده و صبح ۱۰ نومبر ۱۹۳۳ در مطبوعات ایتالیا بنشر رسید، توسط سفارت انگلیس در روم بعد از سپری شدن هشت روز به لندن رسید. درین مصاحبه شاه سابق به یک ژورنالیست ایتالیوی راجع به محمد نادرشاه اظهار داشته بود که از مرگش متأسف است، او یک جنرال خوب و برای استقلال افغانستان جنگیده بود. وقتی از شاه سابق دلیل کشته شدن محمدنادر شاه پرسیده شد، وی جواب صریح نداد، اما گفت که از معلومات کمی که در اختیارش است، در رژیم نادر خان در افغانستان خون های زیادی ریخته شد. او بیرحمانه هر کسی را که جلو راهش ایستاد، سرکوب کرد. وی از کشتن محمدولی خان، کسی که در عهد او (شاه سابق امان الله خان) نایب سلطنت بود، از سفیر سابق افغانستان در ترکیه و برادرش که او هم دیپلمات و پسر غلام حیدرخان چرخي بود، مثال آورد.

امان الله خان در ادامه مصاحبه اش گفته بود که «طوری که گفتیم باوجودی که از مرگ نادر خان متأسفم، اما صادقانه اعتراف میکنم که از فکر اینکه روحیه آزادی و پیشرفت مدنی که من خود را وقف آن نموده بودم، در افغانستان نابود نشده و حال هم خصوصاً در بین جوانان کشور یک نیروی زنده است، نمیتوانم تا اندازه احساس آرامش نکنم. اعمال نادرخان آزادی مملکت را بخطر انداخت. اما مردم بیدار بلاخره به این حقیقت و خیانت او پی بردند». وقتی از وی پرسیده شد که اگر شرایط مناسب شوند، آیا وی میخواهد دوباره تاج و تخت افغانستان را بدست آورد، امان الله خان جواب داد که وی نمیداند وضعیت کنونی افغانستان چگونه است، و جانشینی پسر نادرخان به چه اساسی صورت گرفته است، اما وی اعلام داشت که اگر مردمش بخواهند، وی برای خدمت به وطن و قبولی تمام مسؤلیت ها آماده میباشد (۱). عکس العمل انگلیس ها و رژیم کابل بمقابل این مصاحبه غازی امان الله خان شامل تقاضای از دولت ایتالیا بود تا غازی امان الله خان را دستگیر کنند.

بتاریخ سوم جنوری ۱۹۳۴ آقای گلانتی (Signor Galanti) سفیر ایتالیا در کابل با یک یادداشتی بدیدار سفیر انگلیس میرود. او خیلی ناراحت بنظر میرسد و به سفیر انگلیس میگوید که رژیم کابل از وی رسماً تقاضای دستگیری امان الله خان را نموده است. او به سفیر انگلیس شکایت میکند که چنین تقاضائی بسیار مضحک است، اگر حکومت افغانستان خواهان چنین تقاضائیست، راه درست آن از طریق سفیر خود شان در روم میباشد. در نتیجه او نه تنها در رابطه با این یادداشت هیچ اقدامی نکرد، بلکه حتی از تصدیق وصول آن نیز اباورزید. سفیر ایتالیا درینجا از سفیر انگلیس میپرسد که آیا درین موضوع با او تماسی گرفته شده است، و اگر گرفته شده باشد، چه نظری را ارائه کرده است؟

سفیر انگلستان بعد از آنکه متن ترجمه فرانسوی یادداشت توسط گلانتی برایش خوانده میشود، به سفیر ایتالیا توضیح میدهد که این تقاضا اصلاً توسط مسوده تلگرامی توسط نمایندگان ملت صورت گرفته است. سفیر انگلیس علاوه میکند که کاپی های این تلگرام برای ما احتمالاً بخاطر نشان دادن اتفاق آرای مردم افغان در حمایت از ظاهر شاه و نفرت از امان الله خان ارسال شده است (۲).

سفیر انگلیس در کابل ضمن ارسال دوضمیمه در مکتوبش به وزیر دولت برای امور خارجه در لندن مینویسد که درحقیقت وزیر خارجه فیض محمد خان (ذکرها) بزودی بعد از کشته شدن شاه، محرمانه بمن گفت که دیر یا زود به یک شکلی قطعنامه نمایندگان را برایش خواهد فرستاد که برای اظهار تعزیت و دادن بیعت خواسته شده اند. او علاوه میکند

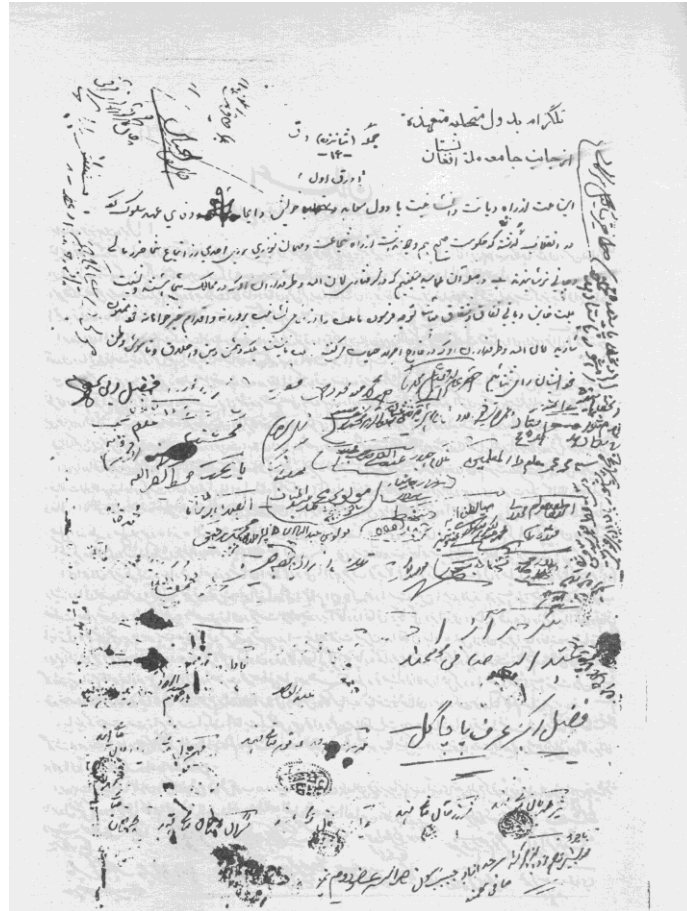
د پانو شمیره: له 1 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

که در قطعنامه پیشنهادی تقاضای سپردن قاتلین محمد نادرشاه به آنها، ریشه کنی مکتب آلمانی (۳) بشمول تخریب کامل ساختمان آن و تقاضا از قدرت های خارجی شامل میباید تا اقداماتی را علیه امان الله خان عملی کنند.

ضمیمه اول مکتوب سفیر تلگرامی بود در ۱۶ صفحه به امضای به اصطلاح نمایندگان ملت، و ضمیمه دوم ترجمه مکتوب وزارت خارجه افغانستان بود (۴). که تقاضای ارسال تلگرام فوق الذکر را در بر میگرفت. درین مکتوب بعد از اشاره به مصاحبه شاه سابق با نماینده رویتر آمده بود که «از آنجائیکه افغانها امان الله را دشمن دین، اخلاق و ناموس کشورشان میدانند، تمام نمایندگان ملت که بمناسبت شهادت اعلیحضرت محمد نادرشاه از تمام نقاط افغانستان برای اظهار تعزیت، و بیعت به اعلیحضرت محمد ظاهر شاه در پایتخت گرد آمده اند، بعد از آنکه از این عمل امان الله مطلع شدند، یک مجلس عام را دائر نموده و به نمایندگی از تمام ملت این تلگرام را تحریر و امضا نموده اند» (۵).



(عکس تلگرامی که از طرف به اصطلاح نمایندگان مردم افغانستان به ممالک متحابه فرستاده شده و در آن تقاضا شده بود که به امان الله خان و یارانش پناهندگی ندهند)

درین رابطه، برای دانستن بهتر موضوع و علل اصلی این اقدام مشترک حکومت سردار محمد هاشم خان و انگلیس ها، اشاره به چند گزارش و سند از استخبارات انگلیس خالی از دلچسپی نخواهد بود:

۱. در رابطه با نفرت مردم

د پانوی شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

بعد از کشته شدن محمدنادرخان، جگرن میدی (Major Meade) از دفتر استخبارات بلوچستان معلومات مهمی را به مرکز فرماندهی ارتش هند بریتانوی فرستاده و توجه شانرا به نفرت مردم از محمد نادر خان و خانواده اش جلب میکند. او در قسمت دلایل این نفرت از سیاست "تفرقه انداز و حکومت کن" این خانواده نام برده و میگوید که هر شخص با احساس ضرر این پالیسی نفاق افگانه را برای قومش و شخص خودش درک نموده و از همین سبب به مخالفت حکومت میپردازد. "میدی" به استناد اطلاعاتی که جمع آوری نموده است علت عمده بی اعتمادی مردم به این خانواده را عملی نکردن تعهدات و سوگند هایشان میدانند. او می افزاید که بنظر میرسد تبلیغات هواداران امان الله خان هم در بی اعتمادی افغانها بر حکومت موجوده نقش داشته و او معتقد است که تعداد طرفداران امان الله خان روبه ازدیاد است، اما بنظر میرسد که فعلا در داخل افغانستان رهبری نیست که این جمیعت بزرگ را بمقابل ارتشی که تا بحال وفادار است، رهبری نموده و حکومت موجوده را سرنگون سازد. اگر امان الله خان خودش بتواند به افغانستان یا سرحداتش بیاید، یک قیام عمومی تقریبا اجتناب ناپذیری برپا خواهد شد. باوجودی که رسیدن زمستان ممکن این روز بد را به تاخیر بیندازد، بنظر میرسد که بهار یا تابستان ۱۹۳۴ شاید برای افغانستان یک زمان خیلی خطرناک و بحرانی باشد.

جگرن میدی در یک جای دیگر راپور خود به گزارش ۲۰ نومبر آتشفش نظامی سفارت انگلیس در کابل، که همین حالا برایش رسیده است، اشاره نموده مینویسد که اگر اجازه داشته باشم راجع به آن تبصره کنم، خواهم گفت که نظر به معلوماتی که من دارم، فرض کنیم که اکثریت افغانها تا حالا از حکومت نادرخان راضی بوده باشند، اگر امان الله خان خودش برگردد، هفتادوپنج در صد (۷۵٪) افغانستان از وی استقبال خواهد کرد(۶).

۲. در رابطه با بیعت نامه ها به محمد ظاهر شاه

اداره استخبارات بلوچستان در رابطه با تلاش های بدست آوردن بیعت به محمد ظاهر شاه، خصوصا بیعت احمد زی ها و سلیمانخیل ها، طی یک گزارش مفصل بعدی به مرکز فرماندهی ارتش مینویسد که به اساس گزارش یک منبع بسیار مطمئن اطلاعاتی، حاجی عبدالغفور خان در هیئت فرستاده شده سلیمان خیل برای احمد زی ها شامل نبود، زیرا فکر میشد که اگر احمدزی ها پیشنهاد ارائه شده شانرا قبول نکنند، این برای یک ریش سفید بانفوذی مثل او یک توهین بزرگ خواهد بود. حاجی عبدالغفور خان بتاريخ ۲۵ نومبر از عصمت الله خان (برادر محمد اسلم خان) و حبیب الله خان (برادرزاده ملک عبدالکریم خان مرحوم) که اعضای این هیئت بودند، نامه میگیرد که در آن نوشته شده بود «تمام احمد زی هائی که تا به حال با آنها صحبت کرده ایم، مخالف خانواده نادر میباشند».

بجواب یک نامه دیگر حاجی عبدالغفور خان که آیا نمایندگان سلیمان خیل در کابل بیعت خود را رضاکارانه یا تحت فشار داده اند، جان گل خان (برادر محمد اسلم خان) چنین نوشت: «سه یا چهار نفر ما نمایندگان به ارگ احضار میشدیم و از ما بیعت نامه میخواستند. ما که توسط قوا محاصره میبودیم بدون آنکه اطاعت کنیم کاری را انجام داده نمیتوانستیم. وقتی دسته اول نمایندگان رخصت میشدند، دسته دیگر شان به داخل خواسته میشد، و به همین ترتیب هر دسته امضا های گروپ قبلی را میدیدند و به ناچار از آن پیروی میکردند. در بین افغانهای که از خانواده نادر خان راضی نبودند، این یگانه طریقه گرفتن بیعت بود».

در گزارش اداره استخبارات انگلیس میخوانیم که "اردو بخاطری که صاحبمنصبان آن از ارتقای رتبه شان راضی بودند، بیعت کرد. بنظر میرسد که در ولایت جنوبی همه بدون از جاجی ها مخالف خانواده نادر میباشند. شایع است که ظاهر شاه مبلغ هنگفتی را فرستاده است تا به کوچی های سلیمانخیل در دیره جات داده شود. تعداد زیادی از سلیمان خیل های که در سابق عادت داشتند در ماه های زمستان برای مزدوری و یافتن کار به مناطق پائینی هند بیایند، حال میگویند که چرا برویم؟ در بهار انقلاب خواهد شد». این گزارش در اخیر جمع بندی میکند که «بنظر میرسد، آنگونه که در گزارش قبلی هم به آن اشاره شده بود، تعداد زیادی از بیعت نامه های که توسط حکومت افغان گرفته شده است، در حقیقت فاقد ارزش میباشند»(۷).

۳. در رابطه با امضا های جعلی بیعت

یکی از اسناد استخبارات انگلیس که در آرشیف هند بریتانوی موجود است از امضای تقلبی حضرت نورالمشایخ یکی از مخالفین سرسخت غازی امان الله خان و روحانی پرنفوذی که متحد نزدیک محمدنادرشاه و در اولین کابینه او سمت

د پانو شمیره: له 3 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

وزیر عدلیه را داشت، پرده برمی‌دارد. انگلیس ها بعد از آنکه این حضرت صاحب شوربازار از پست وزارت عدلیه استعفا نمود، او را هم مثل تمام منتقدین دیگر افغان، تحت نظارت داشتند. بعد از کشته شدن محمد نادرخان و فقدان رهبری طرفداران امان الله خان در داخل افغانستان، در حالی که انگلیس ها از خطر کشته شدن قریب الوقوع محمد ظاهر شاه، محمد هاشم خان یا اعضای دیگر خانواده محمد نادر خان سخت در تشویش بودند، شیر آغا (حضرت فضل عمر مجددی ملقب به نورالمشایخ) را خطرناکترین مرد آن وقت در افغانستان میدانستند، و میگفتند که «اما حکومت افغانستان راجع به او آگاهی کامل داشته و گمان نمیرود که به کدام اقدام علنی دست بزنند» (۸).

در سند دفتر استخبارات بلوچستان از کویته چنین میخوانیم «من بدین وسیله فوراً چاپ شده حاوی امضاهای ملا های ولایت کابل را ضم میکنم که بیعت شان به شاه جدید را نشان میدهد. من فکر میکنم با نظر داشت اینکه امضای فضل عمر (شیر آغا) از خودش نیست، خیلی دلچسپ میباشد. من این امضا را با قلم سرخ نشانی کرده ام. اینکه آیا این امضا از شیر احمدکه من آنرا فرستاده ام، میباشد، یا شیر آغا خودش بنا بر مقصدی اینکار را کرده باشد، من نمیدانم. در هر حال او یک شخص خطرناک و مشتری لغزنده (۹) میباشد. به این نکته هم باید توجه کرد که تعداد زیادی ازین امضا ها از شاگردان دینی (طالب ها) بوده، نه ملا های عادی، و این ها احتمالاً بخاطری علاوه شده اند تا در جدول تعداد امضا ها تا حد ممکن زیاد نشان داده شوند» (۱۰).

۴. در رابطه با کشته شدن محمد نادرشاه و توصیه انگلیس ها قبل و بعد از کشته شدنش

اسناد آرشیف هند بریتانوی نشان میدهد که انگلیس ها قبل از کشته شدن محمد نادر خان از پلان سوء قصد بر او اطلاعاتی را در دست داشتند. مطابق به این اطلاعات گروه امان الله خان مدتی قبل از کشته شدن واقعی محمدنادرخان تصمیم گرفته بود او را از سر راه شان بردارند. آنها همچنان پلان داشتند همزمان ظاهرشاه پسر نادر خان، محمد هاشم خان صدراعظم، و وزیر حرب شاه محمود خان را بکشند. آنها در نظر داشتند فوراً به تعقیب این قتل ها غلام دستگیر خان را از زندان آزاد و او از طریق سفارت روسیه زمینه بازگشت امان الله خان را فراهم سازد. مطابق به این گزارشات، تعداد زیادی از حامیان امان الله خان حالا هم میگویند که امان الله خان باید برای یک یا دو سال بحیث شاه نه، بلکه بحیث رئیس جمهور یک جمهوریت قانونی اداره امور را بدست گرفته و بعد از آن راجع به قانون اساسی حکومت تصمیم نهائی گرفته شود. اما دیگران میخوانند او بحیث پادشاه مطلق زمام امور را بدست گیرد. درین راپور ها علت ناکامی این پلان از یکطرف عدم توانمندی کافی طراحان آن برای کشتن بیش از یک نفر، و از طرف دیگر اقدامات فوری و فعالانه شاه محمود خان ذکر شده است (۱۱).

در راپور سالانه ارزیابی اوضاع سال ۱۹۳۳ افغانستان هم که از طرف انگلیس ها تهیه و سفیر انگلیس در کابل آنرا تصدیق کرده است، از پافشاری سفیر انگلیس برای تحفظ بیشتر محمد نادر خان ذکر شده است. به اثر همین پافشاری سفیر انگلیس بر حکومت کابل بود که رسم گذشت عسکری تعیین شده شانزدهم اکتوبر، سالروز تجلیل از تخت نشینی نادرشاه، لغو شد. اما با وجود آن سه هفته بعد شاه در محفل دادن جوایز به مکاتب کابل توسط عبدالخالق، یکی از شاگردان مکتب المانی، کشته شد. بنظر میرسد که انگیزه این قاتل، برخلاف سید کمال و محمد عظیم (قاتلین سردار محمد عزیزخان برادر بزرگ محمد نادرشاه و اعضای سفارت بریتانیا در کابل) تقریباً کاملاً یک انگیزه شخصی بوده باشد. احتمال زیاد موجود بود که اگر عبدالخالق پیشدستی نمیکرد، گروه انقلابی برای کشتن شاه وسیله دیگری را پیدا میکردند (۱۲).

در یک انکشاف دیگر، مکنونچی سفیر انگلیس در کابل، بدون ذکر اسم از قول یک شخص مطمئن که در رابطه قتل محمد نادر خان حقایق را میداند، مینویسد که «علیحضرت صبح روز ۸ نومبر یک نامه گمنام را گرفته بود که در آن اخطار داده شده بود تا برای دادن جوایز به شاگردان نرود. وزیر دربار پافشاری میکرد که شاه شخص دیگری را موظف سازد تا درین محفل از اونماینده کند. شاه این پیشنهاد را رد کرد و گفت که نمیتواند به بچه ها بی اعتمادی اش را نشان دهد. اما او قبول کرد که مستقیم به خیمه که در آن جوایز داده میشوند، برود. عبدالخالق در قطار دوم شاگردان مکتب المانی و مستقیماً عقب جوانترین پسر شاه آغاسی علی احمد خان ایستاده بود، که درین اواخر ازدواج نموده بود. هنگامی که شاه نزدیکش رسید، یکی از همراهان شاه موضوع را به او گفت. نادر شاه برای لحظه توقف نمود تا به این پسر مبارکباد بگوید. عبدالخالق این پسر را از عقب با لگد زده روی زمین انداخت و فوراً بر شاه آتش کشید» (۱۳).

د پانو شمیره: له 4 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

سفیر انگلیس مینویسد که شاید هیچ چیزی واضحتر ازین حقیقت، نبوغ امیر عبدالرحمن خان را نشان ندهد که وی بحیث امیر افغانستان در بسترش بدرد حیات گفت و از کشته شدن و یا خلع شدن که سرنوشت طبیعی فرمانروایان این کشور را تشکیل میدهد، طفره رفت. لذا کشته شدن نادرخان کدام رویداد غیرعادی نبود، و واقعا کسانی که او را از نزدیک میشناختند، چگونگی مرگ وی را نتیجه اجتناب ناپذیری از عکس العمل محیط بمقابل شخصیت اش میدانند. سفیر انگلیس درین جا به پیش بینی ۲۸ دسمبر سال گذشته اش اشاره میکند که گفته بود، امکان دارد که اعدام عجلانۀ غلام نبی خان چرخ، دشمنان نادرخان را به فکر امکانات کشتنش وادارند.

قابل یادآوریست که در اوایل این سال ۱۹۳۳ هر چهار برادر محمد نادر شاه برای بار آخر باهم یکجاشده بودند. در اواخر ماه جنوری سردار محمد عزیز خان و سردار شاولی خان کابل را ترک گفته اولی برای اشغال کرسی سفارت از غلام صدیق خان چرخ به آلمان رفت و چند ماه بعد در آنجا کشته شد، و دومی به پست سابقش سفارت فرانسه برگشت. انگلیس ها میترسیدند که کشته شدن محمدنادرخان به آغاز مجدد حسادت و رقابت سه برادر باقیمانده تبدیل نشود. در قانون اساسی جدید وراثت تخت و تاج به خاندان آخرین فرمانروا محدود شده بود. خاندان اولاد ذکور کبیر و برادران شاه را در بر میگرفت و احتمال ازدیاد چنین نزاع را بیشتر میساخت. اما شوک کشته شدن محمدنادرخان این سه برادر را بیشتر از قبل با هم نزدیک ساخت. در آن شرایط دشوار درمجلس خانواده گی آل یحیی تصمیم گرفته شد که مؤثرترین انتقام و خونخواهی شان برای شاه مقتول رها کردن نزاع های شان و کار مخلصانۀ مشترک برای آینده و بقای شان خواهد بود. مطابق به این فیصله شاه محمود خان قبول کرده است تا از مخالفت با محمد هاشم خان دست بردارد و سوگند خورده است که در آینده به صلاحیت های او احترام قایل شود.

یکی از عوامل ممکنۀ اختلاف بین برادران محمد نادر خان هم احتمال فراخواندن شاه ولی خان به کابل و فرستادن محمد هاشم خان (برادر اندر) به عوض وی به پاریس و یا جای دیگری در خارج از افغانستان بود، که با مشورۀ انگلیس ها از آن خودداری شد. کوشش های دوامدار و نصیحت های بیشتر انگلیس ها در تامین وحدت و همکاری این برادران را در قسمت های بعدی خواهید خواند.

(ادامه دارد)

یادداشت ها و مأخذ

- (۱) اسناد محرمانۀ آرشیف هند بریتانوی، مراسله شماره ۶۴ (۳۳/۱۴/۳۳) مؤرخ ۱۰ نومبر ۱۹۳۳ سفارت انگلستان در روم.
- (۲) اسناد محرمانۀ آرشیف هند بریتانوی، مکتوب مؤرخ ۹ جنوری سفیر انگلستان در کابل به وزیر دولت برای امور خارجه در لندن.
- (۳) منظور مکتب امانی است که تحت ریاست آلمان ها قرار داشت. بعد از تخت نشینی محمدنادر خان و کمپاین از بین بردن اسم و نشان امان الله خان مثل مکتب امانیه، اسم مکتب امانی هم تبدیل شد. بعد از آن این مکاتب به نام های نجات و استقلال یاد میشدند.
- (۴) مکتوب شماره ۶۷۵۸ مؤرخ دوم جنوری ۱۹۳۴.
- (۵) همانجا.
- (۶) اسناد محرمانۀ استخبارات انگلیس، دفتر هند بریتانوی، مکتوب شماره آی. ایل. ۲۹۴، مؤرخ ۲۳ نومبر ۱۹۳۳.
- (۷) اسناد محرمانۀ استخبارات انگلیس، دفتر هند بریتانوی، مکتوب شماره آی. ایل. ۲۹۷، مؤرخ ۹ دسمبر ۱۹۳۳.

د پانو شمیره: له 5 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

- (۸) . اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، دفتر هند بریتانوی، مکتوب شماره آی. ایل ۲۹۴ ، مؤرخ ۲۳ نومبر ۱۹۳۳ .
- (۹) . در لسان انگلیسی اصطلاح لغزنده به معنی باهوش و مکار بکار میرود.
- (۱۰) . اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، دفتر هند بریتانوی، مکتوب شماره پی ایم ۳۰۱۱ مؤرخ ۳۰ نومبر ۱۹۳۳ دفتر اسخبارات نظامی کویت به ستاد ارتش در دلی جدید.
- (۱۱) . اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، دفتر هند بریتانوی، مکتوب شماره پی ایم ۳۰۱۱ مؤرخ ۳۰ نومبر ۱۹۳۳ دفتر اسخبارات نظامی کویت به ستاد ارتش در دلی جدید.
- (۱۲) . رژیم کابل و دستگاه های تبلیغاتی گاهی محرک اصلی عبدالخالق را خانم مرحوم غلام نبی خان چرخي دانسته بیش از پنجاه و پنج نفر از خانم ها و اطفال صغیر خانواده چرخي را روانه زندان زنانه سرای بادام ساختند، و گاهی هم شایع ساختند که او پسر نامشروع مرحوم غلام نبی خان چرخي بوده است . البته مردم نتنها این تبلیغات را باور نکردند، بلکه این تبلیغات موجب نفرت بیشتر شان نیز شد.
- (۱۳) . اسناد محرمانه استخبارات هند بریتانوی، مکتوب محرمانه شماره ۱۵۳ ، مؤرخ ۲۹ نومبر مکنوناچی به جان سیمون.

د پانو شمیره: له 6 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ